



قرارگاهِ ربّیون

— روایتی الهی از جنگ —

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح
بر اساس منطق قرآن کریم
و فرمایشات رهبر شهید

تمحیص
TAMHIS.ir

استاد محمد خبّاز آملی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بار دیگر اراده ابلیس از آستین امریکای جنایتکار و فرزند نامشروعش رژیم غاصب صهیونیستی در برابر بالاترین مراتب جبهه حق بیرون زده است. حمله نظامی اخیر به ایران اسلامی و به شهادت رساندن نائب الامام حضرت آیت الله خامنه ای خباثت دشمن را بیش از پیش آشکار و ضرورت جهاد در مقابل وی را در مرتبه بالاتری نسبت به جنگ دوازده روزه روشن ساخته است. راهبرد مهم قرآن تلاش حداکثری برای از بین بردن «فتنه» و حاکمیت مطلق توحید است و هیچ تسلیم و مماشات با کفار را بر نمی تابد ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ﴾^۱. قرآن کریم مسلمین را به تلاش برای گردآوری تجهیزات در بالاترین توان خود فراخوانده تا به جایگاهی دستیابند که ترس مسلمین در دل دشمنان افکنده شود. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾^۲ توان نظامی جمهوری اسلامی و انگیزه فرماندهان و مطالبه عمومی برای انتقام «رهبر شهید» شرایط بی نظیری پدید آورده که این جنگ را از دیگر مواقف انقلاب اسلامی متمایز ساخته است.

۱. بقره: ۱۹۳.

۲. انفال: ۶۰.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

درخواست امت انقلابی استمرار جنگ تا رسیدن به بالاترین مراتب فتح است. فرمان مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای نیز در نخستین پیام خویش حجت را بر تمام نیروهای انقلابی تمام کرده است. ایشان بر استمرار «دفاع موثر و پشیمان‌کننده» و «اولویت انتقام از تمام شهیدان این جنگ» تأکید دارند و با وجود تحقق مراتبی از انتقام، تکمیل آن را مطالبه کرده و حتی گشودن جبهه‌های جدید علیه دشمن را محتمل دانسته‌اند. عقلانیت انقلابی همان‌طور که پایان جنگ به هر قیمتی را برنمی‌تابد، جنگ بی‌پایان و نبرد بی‌انتها را نیز روا نمی‌داند، به عبارت دیگر مفهوم جنگ برای جنگ بدون تعریف شاخصه‌های فتح و شکست، به همان اندازه ناصواب است که مفهوم توقف جنگ به هر قیمت. با توجه به ضرورت انتقام و اهمیت استمرار ضربات مهلک بر دشمن، پرسش‌هایی درباره حقیقت انتقام، مراتب فتح و زمان و کیفیت پایان این جنگ در اذهان قابل طرح است که این نوشتار در مقام پاسخ به آن است. پرسش مهم آن است که پایان جنگ در چه شرایطی نشانه فتح و عزت و در چه شرایطی علامت ذلت و شکست است؟ این نوشتار که برای تنویر افکار نخبگان، سرشاخه‌های فکری و راهبران فرهنگی تدوین شده، قصد دارد با تکیه بر آیات قرآن کریم، سیره معصومین علیهم‌السلام و بیانات گهربار رهبر شهید، پاسخی درخور به این پرسش ارائه نماید. این پاسخ در حقیقت شرحی قرآنی بر فرازهایی از بیانیه اخیر مقام معظم رهبری نیز شمرده می‌شود.

الف) منطق قرآن کریم در موضوعات مربوط به جنگ

۱. مقطع یابی قرآنی

صحنه نبرد کنونی را نمی توان به صورت خطی و تنها با یکی از جنگ های صدر اسلام تطبیق داد، بلکه این تطبیق وضعیتی «شبکه ای و دورانی» دارد و از شباهت های چند غزوه بهره برده است. جنگ فعلی اجزاء مشابهی در هر کدام از جنگ های مهم عصر پیامبر دارد که نیازمند توجه همزمان به همه آنهاست. هر کدام از این مولفه ها را می توان شبیه عناصری دانست که با ترکیب های مختلف، نتایج گوناگون را به دنبال دارند. از یکسو شرایط کنونی مشابه «جنگ خیبر» است؛ زیرا تنها به دفاع شهری بسنده نشده، بلکه دامنه نبرد به شکل تهاجمی به سمت پایگاه ها و «قلعه های هفت گانه» دشمن یهود (که در زمان حاضر کشورهای حاشیه خلیج فارس می توانند مصداق آن باشند) کشانده شده است. هدف قرار گرفتن پایگاه های آمریکایی و عقب نشینی عربستان و کشورهای عربی، مصداق بارز فتح این قلعه هاست. از سوی دیگر شرایط این نبرد به دلیل بهره مندی از نصرت الهی در عین کمتر بودن برخی تجهیزات ظاهری نسبت به دشمن، یادآور «جنگ بدر» نیز هست. اما جنگ اخیر جنگی وجودی است که با وجود شباهت با دیگر جنگ های صدر اسلام، نزدیکی بیشتری با جنگ احزاب دارد. در جنگ احزاب جبهه باطل آغازکننده جنگ

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

بوده و با تمام توان خود برای ریشه کن کردن اسلام به میدان آمد؛^۱ عموم مردم در دفاع دخیل بودند، زیرا جنگ در شهر مدینه واقع شد و همه مردم می‌توانستند در آن دخیل باشند؛ همچنین طبق فرمایش پیامبر ﷺ پس از این جنگ، مسلمانان چنان اقتداری پیدا کردند که از موقعیت دفاع به موقعیت حمله تغییر یافتند و بشارت فتح ایران و روم که ابر قدرت‌های آن دوران بودند به مسلمانان داده شد.^۲ جنگ فعلی نیز دفاع از کشور در برابر یک ائتلاف جهانی (شامل آمریکا، اروپا، اسرائیل و کشورهای عربی حامی) است و تمام مردم کشورمان درگیر این دفاع شده‌اند. حضور مستمر و به موقع خانواده‌ها بسیاری از توطئه‌های دشمن را خنثی کرده و نه تنها باعث یأس نشده، بلکه سبب پیوند اجتماعی قوی‌تری شده که در تاریخ بی‌نظیر است. انشاله با استمرار توفیقات، پس از این جنگ، موضع جمهوری اسلامی به حالت تهاجمی در برابر دشمنان ارتقا خواهد یافت.

۲. سنت الهی جنگ‌های دفاعی

این جنگ با حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شده و طبق سنت تخلف‌ناپذیر الهی، هر جنگی که از سوی دشمنان آغاز شود و مسلمانان با استقامت در

۱. احزاب: ۲۲.

۲. مقام معظم رهبری ۱۳۶۴/۳/۱۷.

میدان باشند، قطعاً به پیروزی جبهه حق منجر می شود. ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ (فتح: ۲۲) رهبر شهید بارها به این سنت الهی اشاره کرده اند.^۱

۳. روایت الهی و زمینی از جنگ

فتح و شکست در جنگ، می تواند با روایت الهی و روایت زمینی تفسیر شود. میزان در روایت الهی، تقویت اراده و ایمان مؤمنین به توحید و افقی بالاتر از اعتماد صرف بر اسباب مادی است. در روایت زمینی که در طول و مرتبه نازله روایت الهی است، دستیابی به اهداف ظاهری نرم و سخت مدنظر است. ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾.^۲

روایت الهی از جنگ، نافی روایت زمینی نیست، بلکه آن را زمینه لازم ولی غیرکافی می داند. اندیشه قرآنی با وجود تأکید بر تأمین تجهیزات نظامی و اعتنای به آنها در برابر دشمن، اتکاء به آنها را شرک دانسته و اندیشه مومنین را در افقی بالاتر ارتقا می دهد. روایت الهی، اقتدار آفرین و امیدبخش است، امیدی مبتنی بر تکیه به سنت های الهی و نه خام اندیشی.

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱/۱؛ ۱۳۹۵/۲/۲۹؛ ۱۳۹۷/۶/۱۵.

۲. آل عمران: ۱۷۳

۴. نصرت و فتح در منطق قرآن

قرآن کریم از دو مفهوم «نصر» و «فتح» سخن گفته است. نصر به معنای کمک و یاری رساندن و فتح به معنای ظفر و پیروزی است. از این جهت؛ نصرت الهی عام تر از فتح است و حتی در جنگ هایی که فتح همراه مسلمین نبوده است، غالباً نصر محقق شده است.

۵. مراتب فتح در قرآن

برای فتح مومنین در قرآن کریم مراتب مختلفی ذکر شده است که در زمان رسول خدا ﷺ به لحاظ زمانی نیز مترتب بر هم بودند که عبارتند از:

- فتح مبین در جریان صلح حدیبیه و مراتب دیگری از فتح که در امتداد صلح حدیبیه رخ داد.^۱
- فتح قریب به فتح قلعه های خیبر اشاره داشت.^۲
- فتح نهایی و فتح مطلق که به فتح مکه مربوط بود.^۳

فتوحات مزبور بر اساس تدبیر الهی و همچنین به لحاظ منطقی، فرآیندی روبه رشد بوده و هر کدام زمینه دست یابی به دیگری بوده است. کما اینکه تا قبل از فتح مبین در خصوص صلح حدیبیه نیز جنگ های متعددی رخ

۱. فتح: ۱.

۲. فتح: ۲۷.

۳. نصر: ۱.

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

داده است که نصرت های الهی در آنها حاصل شد، و مقدمه ای برای رسیدن به این فتح مبین بود. به عنوان مثال جنگ های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قبل از جنگ احزاب، نوعاً با هدف دفع مراتبی از شرور مشرکان انجام می شد، اما بعد از جنگ احزاب راهبرد ایشان از حال تدافعی به تهاجمی تغییر یافت و عملاً جنگ های حضرت صلی الله علیه و آله شکل هجومی به خود گرفت و بدین ترتیب ابتکار عمل در میدان به دست ایشان افتاد. مراتب مختلف فتح بیانگر این اصل است که برای دستیابی به فتح نهایی و مطلق باید از مقاطع میانی فتح عبور شود. البته در قرآن کریم در آیات دیگری نیز به موضوع جنگ پرداخته شده است که مجموعه این آیات بیانگر مراتب فتح است که عبارتند از:

۱. فتح مبین (اولین مرتبه فتح)

صلح حدیبیه اولین فتح و در قرآن کریم «فتح مبین» خوانده شده است که ثمرات آن برای همه مردم اعم از مومنان و غیرمومنان روشن شد. این فتح دستاوردهایی برای مسلمین داشته که می توان آنها را نخستین مرتبه و آغاز فتح در جنگ بر شمرد. در جنگ فعلی نیز می توان به این مراتب به عنوان نخستین دستاورد جنگ تکیه کرد:

الف) عقب نشینی ذلیلانه دشمن

بر اساس آیه ۲۲ سوره فتح در جنگی که دشمن آغازگر آن بوده و مسلمین استقامت کرده باشند، باید شاهد عقب نشینی ذلیلانه دشمن باشیم ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ أَلَدُّ بَارًا^۱! به عبارت دیگر در این مرحله دو اتفاق باید بیفتد؛ اول: دشمن باید مرتبه ای از عقب نشینی را محقق کند و دوم: این عقب نشینی باید ذلیلانه باشد و به گونه ای باید در سطح جهانی انعکاس عمومی بیابد که ذلت و خواری دشمن نمایان شود؛ ابهت و انگاره شکست ناپذیری او نزد همگان کاملاً در هم شکسته شود؛ چنانچه در جنگ احزاب نیز چنین خواری نصیب مشرکان شد.

بُعد اول به ساحت نظامی و بُعد دوم به ساحت شناختی مربوط می شود و در جنگ ها، خصوصاً در جنگ های امروزی، سهم عنصر شناختی چندین برابر بیشتر از عنصر نظامی و سخت است. از این جهت می توان گفت؛ هر دستاوردی بدون انعکاس شناختی در سطح افکار عمومی داخلی و بین المللی ناقص خواهد بود. به عنوان مثال در جنگ دوازده روزه هرچند عنصر اول یعنی عقب نشینی دشمن محقق شد، ولی عنصر دوم محقق نشد و در انعکاس جهانی امریکای جنایتکار تمام کننده جنگ معرفی شد.

نکته قابل توجه این است که دستیابی به این مرتبه از فتح به معنای نقطه توقف جنگ نیست، بلکه مرتبه ای است که تا قبل از آن هیچ نوع گفتگو و توقیفی موجه نیست. با توجه به اقتدار کنونی جمهوری اسلامی و مطالبه

۱. فتح: ۲۲.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

عمومی انتقام، راهبرد اصلی جنگ فعلی آن است که نیروهای نظامی تا آنجا که امکان حمله و فتوحات جدید دارند، جنگ را ادامه دهند. تعیین این مرحله از فتح بدان جهت است که تا قبل از آن هیچ توقفی روا نیست.

ب) گشایش اقتصادی برای مومنین

در قرآن کریم بعد از ذکر فتح مبین در جریان صلح حدیبیه از «مغانم کثیره» یعنی گشایش‌های اقتصادی آنهم در فاصله زمانی کوتاه مدت و سریع برای مومنین سخن به میان آمده است. «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمُ هَذِهِ»^۱. از این جهت گشایش اقتصادی زود هنگام یکی از اهداف جنگ است و اگر در جنگ‌هایی که مسبوق به محاصره اقتصادی هستند، گشایش اقتصادی سریع رخ ندهد، مرتبه مهمی از فتح محقق نشده است.

ج) مأیوس‌سازی دشمن از حمله مجدد

قرآن کریم در جریان فتح مبین در کنار ضرورت گشایش اقتصادی در کوتاه مدت از مأیوس‌سازی نسبت به حملات دشمن نیز سخن گفته و از عبارت «وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمُ»^۲ استفاده می‌کند. بنابراین در این مرحله که امتداد فتح مبین، یعنی قبل از فتح قریب و فتح نهایی است باید ناتوانی و مأیوس‌سازی دشمن نیز ایجاد شود.

۱. فتح: ۲۰.

۲. فتح: ۲۰.

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

د) به هم زدن امکان ائتلاف سازی دشمن و انزوای او

در قرآن کریم و در جریان فتح مبین که در امتداد صلح حدیبیه بود، بعد از ذکر ضرورت عقب نشینی ذلیلانه دشمن ﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْوَارَ﴾ عبارت ﴿ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا﴾ ذکر می شود. این عبارت به این معناست که یکی از نتایج فتح در همان مرتبه آغازین و نخستین فتح این است که اجازه ندهید دشمن بتواند علیه شما ایجاد ائتلاف و یارگیری نماید، اعم از پیمان های همه جانبه که مصداق ولایت است و یا پیمان های خاص که مصداق نصرت است. بنابراین راهبرد اصلی باید منزوی ساختن دشمن باشد.

۲. فتح قریب

این فتح در آیات قرآن کریم در امتداد فتح مبین تعریف شده و در آیه ۲۷ سوره فتح مورد اشاره قرار گرفته است. این فتح ناظر به جنگ خیبر و مربوط به فتح قلعه های یهودیان خصوصاً قلعه خیبر بوده است.

۳. فتح نهایی و مطلق

این فتح در آیه ۲۷ سوره فتح و آیه ۱ سوره نصر معرفی شده و ناظر به فتح مکه است.

۶. پایان رژیم صهیونیستی

در جنگ فعلی با رژیم صهیونیستی و امریکای جنایتکار اولین مرتبه فتح

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

باید محقق شود که خود مشتمل بر چهار مرحله پیش گفته است. اما در مورد محور رژیم صهیونیستی باید ابتدا تلقی روشنی از نابودی رژیم حاصل شود. طبق منطق قرآن، هدف اصلی نابودی تفکر و اندیشه اصلی رژیم در افکار عمومی جهانی است. چراکه اساساً قرآن کریم نبرد بین حق و باطل را ابتدا در ساحت اراده و تفکر و سپس در ساحت خارجی تعریف کرده است. تا زمانی که تفکر بسیار مضر و نابودکننده صهیونیسم در افکار عمومی طرفدار داشته باشد، محور رژیم صهیونیستی محقق نخواهد شد. بنابراین باید تلاش کرد اراده، اندیشه و آبروی رژیم در بین همگان به محاق رفته و از اذهان کل مردم جهان کاملاً محو کرد. در قرآن کریم مهمتر از عذاب و بلعیده شدن قارون توسط زمین، از بین رفتن و منقرض شدن اندیشه او نزد کسانی بود که تمنای شباهت و همراهی او را داشتند. ﴿وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتُّوا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانُ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانُهُ لَا يَفْلِحُ الْكَافِرُونَ﴾^۱.

اما همان طور که بلعیده شدن قارون توسط زمین مقدمه مهمی برای از بین رفتن اندیشه او در نزد مردم بود در باره رژیم منحوس اسرائیل نیز نابودی ساختار سیاسی حکومت حاکم بر رژیم صهیونیستی مقدمه مهم تحقق این هدف است. بنابراین تمرکز بر از بین بردن این ساختار سیاسی همانطور که

۱. قصص: ۸۲.

در فرمایشات امام شهید بود خود هدفی مهم و مقدمه تحقق هدف اصلی یعنی نابودی اندیشه رژیم است.

قرآن کریم درباره یهود می فرماید: ﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ﴾^۱ یعنی راهبرد ویژه خداوند متعال ذلیل ساختن آنهاست، و این نیز محقق نمی شود مگر اینکه ساختار سیاسی مستقلى تحت عنوان حاکمیت بریک یا چند سرزمین نداشته باشند از این جهت است که در سوره دیگری می فرماید: ﴿وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ﴾^۲.

۷. شرایط مذاکره

در منطق اسلامی، دوگانه جنگ یا مذاکره غلط است، از نظر قرآن هر نوع توقف جنگ یا پشت کردن به دشمن مستوجب عذاب الهی است، مگر آنکه توقف جنگ یا برای تغییر میدان مبارزه باشد ﴿مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ﴾ و یا برای ملحق شدن به گروه های کمکی ﴿مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ﴾.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ وَمَنْ يُولِهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرُهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾^۳

۱. بقره: ۶۱.

۲. آل عمران: ۱۱۲.

۳. انفال: ۱۵-۱۶.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

بنابراین مذاکره خود مرتبه‌ای از جنگ با دشمن است. به همین ترتیب مذاکره هنگام جنگ برای رسیدن به توقف جنگ نیز باید با منطق غلبه همراه باشد. به این معنا که اگر دشمن در موضع ضعف و جبهه حق در موضع اقتدار باشد، مذاکره با شرایطی پذیرفته است. اما مذاکره از روی ضعف تحت هیچ شرایطی جایز نیست: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾^۱

بر این اساس دشمن را در سه حالت می‌توان تصور کرد: دسته نخست کسانی که متعهد به پیمان هستند، دسته دوم کسانی که با ایشان پیمان بسته شده و خوف خیانت وجود دارد و دسته سوم کسانی که همواره نقض عهد کرده‌اند. در شرایطی که دشمن عهد شکن نباشد و امکان التزام به تعهدات محقق باشد، مذاکره ممکن است. ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۲؛ نسبت به دشمن عهد شکن که همواره پیمان را نقض کرده است، نه تنها پیمان بستن غیر عقلانی است، بلکه قرآن دستور داده است در جنگ با ایشان سخت بگیر و آنان را تا حد ممکن تعقیب کن.

اما دسته دیگری از دشمنان که قبلاً با ایشان پیمان بسته شده، اگر نگرانی از خیانت وجود داشته باشد، می‌توان پیمان را با اطلاع دادن به آنها و به صورت مساوی و طرفینی گسست، که خداوند خائنان را دوست ندارد. گویی در باره

۱. محمد: ۳۵.

۲. الانفال: ۶۱.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

این دسته بستن پیمان یا رعایت پیمان سابق جایز بوده ولی به محض خیانت یا نگرانی از خیانت آنان می‌توان پیمان را نقض کرد ولی در باره عهدشکنان، هیچ پیمانی جایز نیست.

﴿الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾^{۲۱}

امریکا مصداق بارز عهدشکنان است و هیچ پیمانی با وی عقلانی نیست. بر همین اساس امام شهید هیچگاه با ایشان مذاکره مستقیم نکرده است. برخی کشورهای عربی را می‌توان مصداق دسته سوم دانست.

۸. تاب‌آوری و مقاومت مردم

یکی از مسائل بسیار مهم در جنگ، توجه به میزان تاب‌آوری و مقاومت مردم است. در جنگ‌های اخیر که ماهیت ترکیبی دارند و علاوه بر بعد نظامی شامل ابعاد شناختی، سایبری و... هستند، عنصر مقاومت و تاب‌آوری نقش اساسی‌تری پیدا می‌کند.

با وجود توافق بر اهمیت تاب‌آوری، در تفسیر چگونگی دخالت آن در جنگ،

۱. انفال: ۵۵-۵۸.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۱۳.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

از سویی صاحب‌نظران گاهی افراط و تفریط مشاهده می‌شود. رویکرد افراطی بروز کوچک‌ترین مشکلات اجتماعی را بهانه‌ای برای پایان جنگ قلمداد می‌کند، در حالی که طبیعت جنگ، دشواری و از دست رفتن بسیاری از امکانات زندگی امری عادی است. رویکرد تفریطی نیز بر آن است که در اسلام، مکتب انبیاء و ائمه هدی علیهم‌السلام تنها بعد نظامی مهم است و تاب‌آوری مردم اهمیتی ندارد. از این جهت با دیدن توان گروهی اندک از مبارزان نیز می‌توان به سراغ جنگ رفت و آن را ادامه داد.

با مراجعه به قرآن کریم می‌توان دریافت هر دو دیدگاه ناصواب است. قرآن کریم هیچگاه به مردم بی‌توجه نبوده است، لیکن در عین یادآوری مشکلات جنگ، بر نامحدود بودن اراده مردم تأکید کرده و آنها را به مرتبه‌ای بالاتر ارتقا می‌دهد. انبیاء از مردم می‌خواهند ضمن استقامت در برابر مشکلات، آستانه تحمل خود را بالاتر ببرند تا بتوانند به اهداف متعالی‌تری دست یابند. در منطق قرآن، جایگاه اراده مردم بسیار بالاتر از مرتبه موجود است و لذا باید به دنبال شکوفایی استعدادهای نهفته مردم بود.

تمام پیامبران و رهبران الهی به سطح توان و تحمل مردم توجه داشتند. گواه این امر، پیامبرانی هستند که به دلیل عدم همراهی امت، مبارزه نظامی خویش را به تأخیر انداختند ولی کوشیدند سطح شناخت مردم را از تن‌آسایی ارتقا دهند.

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

در جنگ بدر، خداوند آگاه بود که مردم جنگ با کاروان تجاری را ترجیح می دادند ﴿وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ...﴾ و وقتی قرار شد به جای مواجهه با کاروان تجاری با نیروی نظامی کفار مواجه شوند، ترسیده و احساس کردند به سوی مرگ می روند؛ ﴿يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ﴾.^۱ با این حال، خداوند ضمن بیان علم به وضعیت ترس آنها وعده نصرت داد. در جنگ احد نیز خداوند برای فراریان ترسیده تدبیر کرد و آنها را نادیده نگرفت و از این جهت آرامشی خواب گونه ﴿أَمَنَةً نُّعَاسًا﴾ به آنها نازل کرد تا در فرار از جنگ تامل کرده و برگردند و به آنها همانند طاقت و اراده ایشان بیش از این مقدار ظاهری است. حتی پیامبر اکرم ﷺ در ابلاغ پیام غدیر، نگران عدم پذیرش امت بود تا آنکه خداوند نگرانی ایشان را برطرف کرد؛ ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾.^۲ امام رضا (ع) نیز اعلام عمومی امامت خویش را به دلیل نگرانی از عدم همراهی مردم به تأخیر انداخت و فقط برای خواص آشکار ساخت.

نتیجه آنکه فرماندهی جنگ باید موانع مادی و روانی جامعه را درک کند و نشان دهد سختی های مردم دیده می شود و سپس افق نبرد را متناسب با استطاعت واقعی (ونه وهمی فعلی) آنها تنظیم نماید. خداوند متعال شرایط

۱. انفال: ۶؛ نیز رک: نساء: ۷۷ و محمد: ۲.

۲. مائده: ۵.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

سختی مردم را در نظر می‌گیرد و در عین حال راهکاری ارائه می‌دهد تا سطح ایمان مردم را افزایش و نگرش آنها به مقاومت را تغییر دهد.

خلاصه آنکه قرآن کریم با اینکه در اصل جنگ یا پایان دادن جنگ، به تاب‌آوری مردم بی‌توجه نیست، لیکن از توقف در وضعیت فعلی پرهیز کرده و تصمیم الهی را منحصر بر وضعیت فعلی آنان نمی‌کند، بلکه می‌کوشد اراده و طاقت مردم را افزایش دهد و شرایطی را فراهم سازد که از یک طرف ناظر به طاقت مردم باشد و از طرف دیگر متوقف در شرایط فعلی آنها نباشد، بلکه ارتقاء اراده و طاقت مردم نیز در آن محقق گردد.

با توجه به این نکات درباره جنگ اخیر که ممکن است ماه‌ها به طول انجامد و نیازمند همراهی بیشتر مردم است، می‌توان گفت مسئولین نظام از سویی باید شرایط زندگی را بر مردم تسهیل و هزینه‌های ناشی جنگ را تا حد امکان جبران کنند. از سوی دیگر کارگزاران فرهنگی کشور باید تلاش کنند با تبیین فرهنگ مقاومت سطح تاب‌آوری تمام لایه‌های جامعه از جمله مبارزان تا حامیان و دیگر اقشار را ارتقا دهند. این هدف با تبیین اصول زیر می‌تواند محقق شود:

- مقاومت تنها راه تحقق پیشرفت و سازندگی کشور است، بدون مقاومت راهی برای آبادانی کشور، گشایش اقتصادی، امنیت و عزت ملی نیست، بنابراین مقاومت یگانه مسیر پیشرفت ایران است.

- هر دو جنگ اخیر با حمله امریکا و رژیم صهیونیستی آغاز شد و ما در حال دفاع هستیم.
- امریکا به هیچ تعهد خود پای بند نیست، انحاء مختلف مذاکره انجام شده و هر دو جنگ اخیر در دل مذاکرات بوده است. بنابراین این تصور که بتوان با گفتگو مساله را حل کرد، با تجربه عینی ما سازگار نیست.
- شرط اول هر پیمانی، اطمینان نسبی از عمل به تعهدات است. امریکا بارها نسبت به امت ایران پیمان شکنی کرده و حتی نسبت به پیمان های بین المللی نیز بی اعتناست، بنابراین هیچ پیمانی با وی تضمین عرفی و عقلایی ندارد. مذاکره و اتمام جنگ با کشوری که هیچ میثاقی را نمی پذیرد خلاف عقل است.
- تجربه سال های اخیر نشان داده که ادبیات حاکم بر نظام سلطه ادبیات جنگل است که هر که قوی تر باشد غالب و هر که ضعیف تر باشد، محکوم به ذلت و شکست است. رئیس جمهور امریکا خود تصریح کرده که صلح از راه قدرت به دست می آید. در چنین شرایطی تنها راه عقلانی آن است که کشور قوی شده و خود را در جنگ فعلی به جایگاهی برساند که زبان از بالا به پایین او به کنار رفته و دست کم زبان موازنه جایگزین آن شود. گواه بر این مدعا آن است که ادبیات مواجهه رئیس جمهور امریکا با چین حتی با ادبیات وی در برابر کشورهای اروپایی نیز متفاوت است.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

- تجربه بدعهدی‌های امریکا نشان داده تحقق امنیت پایدار که درخواست فطری هر جامعه‌ای است با هیچ امری جز مقاومت مقتدرانه محقق نمی‌شود. پایان جنگ در شرایط فعلی به معنای امکان تکرار جنگ در ماه‌های آینده است. در هفته‌های اخیر که شکست امریکا آشکار شده و استراتژی رعب را در حملات در دستور کار قرار داده است، مقاومت امت ایران می‌تواند تا سال‌ها اقتدار و صلح برای کشور را تضمین کند.
- اهدافی که توسط ترامپ به عنوان اهداف جنگ تعیین شده بود، محقق نشده است. او از ابتدا تسلیم بی‌قید و شرط ایران، تعیین رهبر آینده ایران، از بین بردن کامل نظام سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی و نابودن ساختن انرژی هسته‌ای را به عنوان اهداف خود اعلام کرده بود که به هیچ‌کدام دست نیافته و مجبور به عدول از آنها شده است.

ب) ترسیم مراتب فتح و نابودی طاغوت از دیدگاه رهبر شهید

از نظر امام شهید، دشمن اصلی بشریت نه به یک رژیم جعلی همچون اسرائیل فروکاسته می‌شود، نه صرفاً به یک دولت مستکبر نظیر آمریکا، و نه به گروهی محدود مانند فراماسونرها؛ بلکه خصم بنیادین انسان معاصر، یک طبقه اجتماعی فراگیر و ساختاریافته مستکبر است؛ طبقه‌ای مرکب از طیفی متنوع از دولتمردان در کشورهای مختلف، صاحبان ثروت، نظریه‌پردازان،

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

دانشمندان، و حتی برخی چهره‌های مذهبی در جهان غرب که در یک کلمه می‌توان آن را «نظام سلطه» نامید^۱. در این منظومه، دولت آمریکا و دیگر دولت‌های مستکبر، نه به عنوان بازیگران مستقل، بلکه در مقام کارگزاران و مجریان این شبکه کلان سلطه عمل می‌کنند.^۲

بر همین مبنا، طرح راهبردی انقلاب اسلامی برای مواجهه با طاغوت در مقیاس جهانی، واجد سه مرحله اساسی است: نخست ازاله اسرائیل، که خود زمینه‌ساز و مقدمه افول آمریکا به شمار می‌آید؛ و در ادامه، افول آمریکا نیز مقدمه محو نظام سلطه در جهان است. هرچند این مراحل را نمی‌توان به صورت کاملاً خطی و منفک از یکدیگر در نظر گرفت، چرا که میان آن‌ها پیوندی دوسویه از تأثیر و تأثر برقرار است، با این حال در هر مقطع، تمرکز راهبردی بر یکی از این سطوح قرار می‌گیرد.

تصویر نهایی از فروپاشی نظام سلطه، بیداری جهانی انسان‌ها در ساحت شناختی است؛ بیداری‌ای که به طور طبیعی به قیام علیه این نظم ناعادلانه می‌انجامد و نسبت سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به قاعده فطری و انسانی «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» تبدیل می‌کند.^۳ با این همه، تحقق چنین افقی

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱؛ ۱۳۷۷/۰۵/۲۰؛ ۱۳۸۸/۰۶/۰۴

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶؛ ۱۴۰۱/۰۵/۰۵؛ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

۳. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۴/۰۲؛ ۱۳۹۰/۰۲/۱۴؛ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

مستلزم عبور از مرحله افول آمریکاست. آمریکا باید از جایگاه یک قدرت استکباری مسلط بر جهان، به کشوری عادی در گوشه‌ای از جغرافیای سیاسی دنیا تنزل یابد و خوی سلطه جویانه خود را کنار بگذارد^۱، هیمنه آن در چشم‌های جهانیان شکسته شود^۲ و به طور خاص از منطقه غرب آسیا اخراج شود.^۳ از این رو، مبارزه با اسرائیل در حقیقت معادل «آمریکازدایی» است^۴؛ زیرا اگرچه آمریکا در پوششی از نفاق و زرورق ادبیات‌های انسان دوستانه جنایات خود را پنهان کرده و بشریت را گمراه کرده است^۵ اما ظلم آشکار آمریکا در حمایت بی‌پرده و همه جانبه از رژیم غاصب صهیونیستی و جنایت‌های آن، برای افکار عمومی جهان عیان و غیرقابل انکار است و سبب بیداری فطرت‌های انسانی خواهد شد^۶.

فروپاشی درونی اسرائیل با تضعیف پایه‌های وجودی آن از جمله: منفعت داشتن وجود رژیم برای نظام سلطه^۷؛ ادعای دروغین مظلومیت و نهادینه

۱. مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۸/۱۱؛ ۷۳/۱۰/۲۷

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۹/۲۶

۳. همان.

۴. مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

۵. مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۰۸/۱۰

۶. مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸؛ ۱۳۷۰/۰۳/۲۶

۷. مقام معظم رهبری، ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

کردن آن در اذهان جهانیان^۱، ادعای امنیت و رفاه برای مهاجرین ساکن در این منطقه^۲، عادی سازی روابط با همسایگان^۳، توهم شکست ناپذیری ارتش اسرائیل^۴.

از منظر مقام معظم رهبری راه حل اصلی مسأله فلسطین، همه پرسی است یعنی باید از تمام ساکنان این سرزمین از ادیان مختلف و فلسطینی‌های اخراج شده رأی‌گیری و بر اساس آن شکل دولت قانونی معین شود^۵، لازمه این امر آن است که دیگر دولتی با نام رژیم صهیونیستی وجود نداشته باشد. راهبرد اصلی ما مبارزه با اندیشه و تفکر رژیم صهیونیستی و منفور و ذلیل ساختن آن در اذهان است که برای رسیدن به این هدف بلند، یکی از گام‌های میانی آن از بین بردن رژیم سیاسی اسرائیل است. بدیهی است مبارزه شناختی و ذلیل ساختن این اندیشه اصل حاکم در تمام مراحل مبارزه است. همچنین باید توجه داشت نابودی یکی از مؤلفه‌های مهم در نابودی رژیم صهیونیستی با مختصات پیش گفته اهتمام مردم فلسطین است، همه تلاش‌های نیروهای بیرون از فلسطین باید به عزم مردم آنجا ضمیمه شود.

۱. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰؛ ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۲. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۰۸/۰۸؛ ۱۳۷۸/۱۰/۱۰؛ ۱۳۸۰/۰۲/۰۴

۳. مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱۰/۱۰؛ ۱۴۰۳/۰۳/۱۴

۴. مقام معظم رهبری، ۱۴۰۱/۰۲/۰۹؛ ۱۳۹۸/۰۶/۰۶

۵. مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۲/۱۷؛ ۱۳۹۳/۰۵/۰۱؛ ۱۳۹۰/۰۷/۰۹

ج) جمع بندی

اقتدار نظامی کشور در حال حاضر، مطالبه عمومی انتقام و عزم راسخ و الهی فرماندهان؛ مقتضی ادامه این جنگ تا بالاترین مرحله ممکن است. نیروهای نظامی باید بالاترین توان خود را در مواجهه با دشمن به کار گیرند و به مراتب نخستین فتح رضایت ندهند، با این وجود می توان براساس منطق قرآن کریم، زمان و نحوه پایان جنگ فعلی با امریکای جنایتکار و رژیم منحوس صهیونی را به نحو زیر جمع بندی کرد:

۱. اهمیت روایت الهی از جنگ و تقویت عناصر شناختی مردم

غایات جنگ با دشمن را نباید در ابعاد زمینی آن محدود کرد، بلکه هدف از مقابله هم در ساحت روایت الهی و هم در ساحت زمینی قابل تحلیل است. تقویت ایمان و اراده مقاومت در عموم مردم همانند تقویت خطوط نظامی ضروری و در چگونگی ادامه جنگ تعیین کننده است. منفور ساختن اندیشه وایدئولوژی امریکا و صهیون هدف مهم این جنگ است که مراتبی از آن در حال تحقق است.

در روایت الهی حقیقت انتقام در قالب خون خواهی های عرفی و قصاص قاتلان نیست، همانطور که انتقام حقیقی از امام حسین (علیه السلام) با خونخواهی قیام توابین و مختار محقق نشد، بلکه طبق روایات حقیقت انتقام در ظهور حضرت

پایان جنگ و شاخصه های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلی می یابد. بنابراین با وجود مطلوبیت هلاکت سران کفر، نباید انتقام از رهبر شهید را به این سطوح تنزل داد.

۲. شرایط توقف جنگ (تحقق مراحل چهارگانه نخستین مرتبه فتح)

در تعیین شرایط توقف جنگ که ناظر به مراتب فتح است باید مواردی مورد اشاره قرار گیرد که در عین تطابق با منطق قرآن کریم متناسب با شرایط واقعی جبهه دشمن و جبهه خودی باشد. از این جهت تعیین غایات جنگ از سویی نباید آنچنان بلند، غیرواقعی و دست نیافتنی تعریف شود که هر موفقیتی پایین تر از آن، شکست شمرده شود و از سوی دیگر نباید در مرتبه ای پایین لحاظ شود که تناسبی با هزینه سنگین شهادت رهبر عظیم الشان انقلاب، فرماندهان ارشد نظامی و بسیاری از مردم شریف و همچنین حجم گسترده ویرانی های حاصل از جنگ نداشته باشد. در جنگ فعلی نیز باید مراحل را در نظر گرفت و برای آن برنامه ریزی و عملیات منسجم طراحی کرد.

تأکید این متن آن است که نخستین دستاورد این جنگ باید دست یابی به مراحل مختلف اولین مرحله فتح باشد که در منطق قرآن کریم «فتح مبین» نام گذاری شده بود. این مرحله مقدمه ای برای فتح قریب که (نابودی کامل رژیم منحوس صهیونی) و فتح نهایی (نابودی نظام سلطه) است. نبرد ما با امریکا و رژیم نبردی درازمدت است که جنگ فعلی آخرین مرتبه آن نیست،

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

بلکه می‌تواند ضربه‌ای مهلک و پشیمان‌کننده به آن شمرده شود. از بین رفتن رژیم نیز متکی بر چند مؤلفه است که جنگ کنونی می‌تواند بخشی از آن را تأمین کند.

با توجه به مراحل فتح مبین در قرآن نخستین دستاوردهای جنگ فعلی عبارتند از:

یکم. عقب‌نشینی نظامی دشمن و درخواست توقف جنگ از سوی او

درخواست توقف جنگ باید از طرف دشمن صورت گیرد و این درخواست اولاً باید در شرایط عقب‌نشینی دشمن صورت گیرد، ثانیاً؛ برای همه جهانیان مشخص شود که این درخواست از سوی دشمن ارائه شده است.

از این جهت، پایان جنگ نباید مانند جنگ دوازده روزه باشد که با وجود غلبه نظامی ایران و درخواست توقف جنگ از دشمن، به دلیل عملیات رسانه‌ای دشمن، روایت پیروزی امریکا در بخشی از رسانه‌های بین‌المللی تثبیت شد. اکتفا به موفقیت‌هایی در سطوح پایین‌تر، تکرار جنگ را در پی خواهد داشت. اقتدار نظامی ایران باید به گونه‌ای برای همه کشورهای دنیا تثبیت شود و به قدری این توان موثر جلوه کند که بدخواهان و همه جهانیان بدانند مواجهه نظامی با ایران هزینه‌ای دارد که به هیچ وجه به منفعت آن نمی‌ارزد.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای نیز در نخستین بیانیه خود استمرار «دفاع موثر و پشیمان کننده» و گشودن جبهه‌های جدید علیه نقاط ضعف دشمن را راهبرد اصلی جنگ فعلی دانستند. البته باید حالات مفروض مختلف پایان جنگ را لحاظ و برای هر کدام راه حلی مبتنی بر قواعد ارائه کرد، برای نمونه ممکن است امریکا جنگ را متوقف کند، ولی عقب‌نشینی اعلامی دلالت بر شکست نداشته باشد. یا عقب‌نشینی او توأم با ذلت نباشد و ... شناخت این حالات می‌تواند ما را نسبت به طراحی پیشین خود آگاه سازد.

دوم. گشایش اقتصادی زودهنگام برای مردم

مرحله دوم فتح مبین گشایش اقتصادی سریع برای مردم است. مهم‌ترین مصادیق این هدف عبارتند از:

- رفع تحریم‌ها
- تغییر رژیم اقتصادی حاکم بر خلیج فارس به ویژه تنگه هرمز برای ایجاد منافع اقتصادی دائمی برای ایران.
- به رسمیت شناختن انرژی هسته‌ای و عدم هیچ‌گونه مذاکره‌ای در خصوص آن
- تضعیف جایگاه پترودلار.

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

- درخواست خسارت و غرامت از امریکا و کشورهای عربی منطقه که میزبان پایگاه‌های امریکا در منطقه بودند. این امر مورد تأکید مقام معظم رهبری در نخستین پیامشان نیز بود:
- «به هر صورت ما از دشمن غرامت خواهیم گرفت و اگر امتناع کند به اندازه‌ای که تشخیص بدهیم از اموالش برخوایم داشت و اگر آنهم مقدور نباشد به همان اندازه از اموالش را نابود خواهیم کرد.»^۱

سوم. مایوس ساختن دشمن نسبت به حمله مجدد

- مرحله سوم فتح مبتنی بر مایوس ساختن دشمن نسبت به حملات مجدد بود. مهم‌ترین مصادیق این هدف عبارتند از:
- عدم حضور ناوهای نظامی امریکا و رژیم صهیونی در خلیج فارس
 - از بین رفتن پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه
 - پیمان‌های نظامی منطقه‌ای برای برقراری امنیت منطقه
 - نابودن یا حداقل خلع سلاح رژیم صهیونیستی

چهارم. انزوای جهانی امریکا و رژیم صهیونی در حمله به ایران

- در مرحله چهارم فتح مبین دشمن در جایگاهی قرار می‌گیرد که هیچ حمایت و نصرتی از وی محقق نشود. این هدف در مصادیق زیر محقق می‌شود:

۱. حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، ۱۴۰۴/۱۲/۲۱.

انزوای شناختی

با مشخص شدن این نکته در مجامع رسمی جهانی که متجاوز در این جنگ، امریکای جنایتکار و رژیم صهیونی بود و ایران از خود دفاع مشروع کرد و حمله به پایگاه های نظامی امریکا در منطقه از این باب بود.

انزوای نظامی

جلوگیری از امکان حمله نظامی مجدد امریکا و رژیم صهیونی به ایران با تصویب قطعنامه شورای امنیت و مانند آن
جلوگیری از ایجاد پایگاه های نظامی امریکا در کشورهای منطقه با تصویب قطعنامه شورای امنیت و مانند آن

تلاش برای اجماع منطقه ای و بلکه جهانی علیه امریکا و رژیم صهیونیستی.

نکته مهم:

نتیجه تحقق موارد فوق عبارت است از: «تغییر ادبیات تحکمی به ادبیات

موازنه قدرت»

توضیح اینکه ادبیات امریکای جنایتکار با ایران اسلامی تا قبل از این ادبیات ادبیات تحکمی و از بالا به پایین بوده است. بعد از این جنگ این ادبیات باید به ادبیات موازنه تغییر یابد مانند آنچه این کشور مستکبر با چین یا روسیه دارد. طبیعی است که دشمنی های او تمام شدنی نیست ولی زورگویی او در

این جنگ باید خاتمه یابد. درس عبرت مهم این جنگ باید کنار نهادن ادبیات زورگویانه از سوی امریکا نسبت به ایران باشد.

۳. ضرورت اجتناب از مذاکره و بستن پیمان با امریکا

از آنجا که امریکا کشوری پیمان شکن است هرگونه توافق و پیمان با وی عقلاً نارواست، قرآن کریم نیز ما را از پیمان بستن با چنین پیمان شکنی نهی کرده است، یکی از شگردهای فریبنده امریکا وعده توقف جنگ است که مسئولان نظام با توجه به تجارب پیشین هرگز نباید فریب این وعده‌ها را بخورند. به ویژه در شرایط فعلی که توهم شکست ناپذیری او فروریخته است. بنابراین مذاکره با امریکا جایز نیست، ولی با طرف ثالث که به لحاظ حقوق بین المللی مشروعیت داشته باشد بلامانع است.

تنها موضوع مجاز در مذاکره نیز توافق بر سر توقف جنگ آنهم منطبق با شرایط پیش گفته است، چنین توافقی نه به شکل مستقیم بلکه با حضور طرف‌های ثالث همانند چین، روسیه، شورای امنیت یا ... محقق می‌گردد. در این توافق نه پیمانی بسته می‌شود و نه امتیازی اعطا خواهد شد. بلکه فقط توقف جنگ در یک برهه زمانی معلوم مورد توافق است، همانند آنچه در جنگ دوازده روزه رخ داد.

یادآوری این نکته ضروری است که تحت هیچ شرایطی نباید کشور زیر بار

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

«آتش بس» به معنای شرایط نه جنگ و نه صلح برود، زیرا آتش بس به معنای پایان جنگ نیست، بلکه فرصتی به طرفین برای تجدید قواست، مضافاً اینکه هزینه ابهام و تعلیق شرایط آتش بس و تأثیر آن بر اقتصاد و حیات اجتماعی، کمتر از جنگ نیست. از این جهت پذیرش هیچ نوع آتش بسی مورد پذیرش نیست؛ یا جنگ باید به کلی توقف یابد یا تا حصول نتیجه ادامه پیدا کند.

۴. تمرکز بر ارتقاء تاب‌آوری مردم

بر اساس منطق قرآن کریم، تاب‌آوری و روحیه مقاومت مردم رکن مهم جنگ است و این مسأله در جنگ‌های ترکیبی و شناختی اهمیت بیشتری یافته است. به همین دلیل اقدامات ذیل ضروری است:

- مسئولان نظام برای کاستن رنج‌های جنگ تلاش کرده و روحیه مقاومت ملی را ارتقا دهند.
- کارگزاران برای گشایش در زندگی مردم در شرایط جنگی اقدامات ویژه تعریف کنند.
- مردم باید در مقاطع مختلف جنگ احساس پیروزی کنند.
- درخواست خسارت و غرامت از دشمن نسبت به آسیب‌های وارده بر مردم، به مطالبه عمومی تبدیل شود.
- درخواست عمومی و مردمی برای پیگیری حقوقی از نهادهای بین‌المللی

پایان جنگ و شاخصه‌های فتح بر اساس منطق قرآن کریم و فرمایشات رهبر شهید

- تقویت این دیدگاه که بین پیشرفت کشور و مقاومت نه تنها تعارضی نیست، بلکه یگانه راه رسیدن به پیشرفت کشور، از راه مقاومت و در حال حاضر جنگ با امریکا و رژیم صهیونیستی است.
- مطالبه مستمر انتقام شهدا و به ویژه امام شهید از جانب مردم؛ این مطالبه مستمر از سویی زمینه را برای ادامه مقاومت نیروهای مسلح فراهم و از سوی دیگر دست دستگاه دیپلماسی را نیز پر خواهد کرد.

۵. تنبیه کشورهای حامی

عقل فطری حکم می‌کند کشورهای منطقه که از زمین و آسمانشان برای حمله به ایران و شهادت زنان و کودکان کشور استفاده شده، باید به شدت تنبیه شوند. این تنبیه می‌تواند علاوه بر حملات نظامی موثر، شامل درخواست خسارت و نیز تعطیلی پایگاه‌های نظامی امریکا و اسرائیل در منطقه و... باشد.